

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قانون آیین دادرسی مدنی تحریری

به همراه قانون اجرای احکام مدنی

تدوین: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

◆ عنوان قراردادادی: ایران. قوانین و احکام

Iran. Laws, etc

◆ عنوان و نام پدیدآور: قانون آیین دادرسی مدنی تحریری / تدوین گروه

علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.

◆ مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.

◆ مشخصات ظاهری: ۲۶۷ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۱۶-۲

◆ وضعیت فهرست نویسی: فیپا

◆ یادداشت: چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۶. (تغییر قطع).

◆ موضوع: آیین دادرسی مدنی -- ایران

◆ موضوع: Civil procedure -- Iran

◆ موضوع: آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی(عالی)

◆ موضوع:

Civil procedure -- Iran -- Study and teaching(Higher)

◆ شناسه افزوده: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش. گروه علمی

◆ رده بندی کنگره: ج ۱۳۹۶ ۱۷۰۴ KMH

◆ رده بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵

◆ شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۳۳۹۶۴

◆ نام کتاب: قانون آیین دادرسی مدنی تحریری

◆ ناشر: چتر دانش

◆ تدوین: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

◆ نوبت و سال چاپ: ششم - ۱۴۰۲

◆ شمارگان: ۲۰۰۰

◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۱۶-۲

◆ قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

◆ فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

◆ تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

◆ nashr.chatr@gmail.com

◆ کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۸.....	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱.....
۸.....	کلیات.....
۱۲.....	باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها.....
۱۲.....	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها.....
۱۸.....	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن.....
۲۱.....	باب دوم: وکالت در دعاوی.....
۲۹.....	باب سوم: دادرسی نخستین.....
۲۹.....	فصل اول: دادخواست.....
۲۹.....	مبحث اول: تقدیم دادخواست.....
۳۰.....	مبحث دوم: شرایط دادخواست.....
۳۱.....	مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....
۳۳.....	مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست.....
۳۴.....	فصل دوم: بهای خواسته.....
۳۵.....	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....
۳۵.....	مبحث اول: جریان دادخواست.....
۳۷.....	مبحث دوم: ابلاغ.....
۴۳.....	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....
۴۷.....	فصل چهارم: جلسه دادرسی.....
۵۱.....	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۵۳.....	فصل ششم: امور اتفاقی.....
۵۳.....	مبحث اول: تأمین خواسته.....
۶۰.....	مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....
۶۲.....	مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....
۶۴.....	مبحث چهارم: دعاوی متقابل.....

۶۵.....	مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی
۶۷.....	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه
۶۷.....	مبحث اول: تأمین دلیل
۶۹.....	مبحث دوم: اظهارنامه
۷۰.....	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۷۷.....	فصل نهم: سازش و درخواست آن
۷۷.....	مبحث اول: سازش
۸۰.....	مبحث دوم: درخواست سازش
۸۲.....	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
۸۲.....	مبحث اول: کلیات
۸۴.....	مبحث دوم: اقرار
۸۶.....	مبحث سوم: اسناد
۹۵.....	مبحث چهارم: گواهی
۱۰۱.....	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی
۱۰۴.....	مبحث ششم: رجوع به کارشناس
۱۰۸.....	مبحث هفتم: سوگند
۱۱۵.....	مبحث هشتم: نیابت قضایی
۱۱۷.....	فصل یازدهم: رأی
۱۱۷.....	مبحث اول: صدور و انشاء رأی
۱۱۸.....	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۱۲۰.....	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۱۲۰.....	مبحث چهارم: واخواهی
۱۲۲.....	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۱۲۳.....	مبحث ششم: دادرسی فوری
۱۲۸.....	باب چهارم: تجدیدنظر
۱۲۸.....	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۱۲۹.....	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۱۳۱.....	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر

۱۳۲	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۱۳۶	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر
۱۴۲	باب پنجم: فرجام خواهی
۱۴۲	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۱۴۲	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۱۴۴	مبحث دوم: موارد نقض
۱۴۶	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۱۵۰	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۱۵۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۱۵۳	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۱۵۷	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۱۵۹	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۱۶۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۱۶۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۱۶۲	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۱۶۴	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۱۶۸	باب ششم: مواعد
۱۶۸	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۱۷۰	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد
۱۷۲	باب هفتم: داوری
۱۸۹	باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار
۱۸۹	فصل اول: هزینه دادرسی
۱۸۹	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی
۱۹۴	باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۱۹۴	فصل اول: کلیات
۱۹۵	فصل دوم: خسارات
۱۹۷	فصل سوم: مستثنیات دین

۱۹۹	سایر مقررات
۲۰۰	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱
۲۰۰	فصل اول: قواعد عمومی
۲۰۰	مبحث اول: مقدمات اجرا
۲۰۵	مبحث دوم: دادورزها (مأمورین اجرا)
۲۰۸	مبحث سوم: ترتیب اجرا
۲۲۱	فصل دوم: توقیف اموال
۲۲۱	مبحث اول: مقررات عمومی
۲۲۵	مبحث دوم: در توقیف اموال منقول
۲۲۷	مبحث سوم: صورت‌برداری اموال منقول
۲۲۹	مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول
۲۳۱	مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده
۲۳۴	مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم‌علیه که نزد شخص ثالث است
۲۳۸	مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین
۲۳۹	مبحث هشتم: توقیف اموال غیر منقول
۲۴۱	مبحث نهم: صورت‌برداری اموال غیر منقول
۲۴۳	مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول
۲۴۴	فصل سوم: فروش اموال توقیف شده
۲۴۴	مبحث اول: فروش اموال منقول
۲۵۲	مبحث دوم: فروش اموال غیر منقول
۲۵۵	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث
۲۵۶	فصل ششم: حق تقدم
۲۵۷	فصل هفتم: تأدیه طلب
۲۶۰	فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی
۲۶۳	فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجراء کشورهای خارجی

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب

۱۳۷۹/۱/۲۱

کلیات

ماده ۱

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند، به کار می‌رود.

مواد مرتبط: ماده ۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲؛ مواد ۵۷۵، ۵۷۶ و ۶۳۱ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳؛ ماده ۲ ق.ا.ح.

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۳۵۳۰ مورخ ۱۳۶۰/۲/۷، رأی شماره ۲۳۹۴۴ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۱، رأی شماره ۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۷

واژگان دشوار: امور حسبی: کلیه امور پسندیده‌ای که شرع و قوانین اسلام خواستار اجرای آن شده اما شخص خاصی را مسئول آن ندانسته است مثل اداره اموال مقبولاتر.

ک

ماده ۲

هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

مواد مرتبط: مواد ۶۸ و بند الف ماده ۶۴ ق.آ.د.ک؛ ماده ۱ ق.ا.ح؛ ماده ۳ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

واژگان دشوار: قائم‌مقام: جانشین/ نماینده قانونی: آن نمایندگی هست که در قانون به طور مشخص پیش‌بینی شده است مانند نمایندگی پدر و جد پدری از صغیر

ک

ماده ۳

قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

مواد مرتبط: اصول ۳۴ و ۱۶۷ ق.ا؛ ماده ۲ ق.آ.د.ک؛ ماده ۵۹۷ ق.م.ا؛ مصوب ۱۳۷۵؛ ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اصلاحی ۱۳۸۱؛ ماده ۴ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ بند ۵ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۶۱ مورخ ۱۳۴۶/۷/۱۹، رای شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۸، رای شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹
واژگان دشوار: مستنکف: امتناع کننده



.....

.....

.....

.....

ماده ۴

دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

مواد مرتبط: اصل ۱۶۶ ق.ا؛ ماده ۶۰ ق.ت.آ.د.ع.ا؛ ماده ۵ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲



.....

.....

.....

.....

ماده ۵

آرای دادگاه‌ها قطعی است، مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

مواد مرتبط: مواد ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲ ق. آ.د.م؛ ماده ۱ ق.ا.ا.م؛ ماده ۲۷ ق.ا.ح؛ ماده ۷ ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۷۳؛



ماده ۶ عقود و قراردادهایی که مخّل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.
مواد مرتبط: مواد ۱۷۰، ۱۰ و ۹۷۵ ق.م و مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ ق.ا.ا.م



ماده ۷ به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.
مواد مرتبط: ماده ۱۳۰ و ۱۳۵ ق. آ.د.م؛ ماده ۷ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲



ماده ۸ هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

مواد مرتبط: مواد ۵۷۶ و ۵۷۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵؛ ماده ۱۰۷ ق.ت.آ.د.ع.ا؛ ماده ۴۰ ق.ا.ح.



ماده ۹ رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد.

آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد، مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

مواد مرتبط: ماده ۴ ق.م؛ ماده ۸ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰، رأی شماره ۱۱۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴،

رأی شماره ۷۱ مورخ ۱۳۵۳/۸/۲۹، رأی شماره ۷۹۶ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱

ک

باب اول: در صلاحیت دادگاهها

فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

ماده ۱۰ رسیدگی نخستین به دعوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

مواد مرتبط: مواد ۵۴۴ و ۵۶۶ ق.ت؛ ماده ۱ قانون افزایش و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷؛ ماده ۷۷ قانون شهرداری؛ ماده ۲۲۵ قانون مالیاتهای مستقیم؛ ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵؛ مواد ۱ و ۴ ق.خ.ج.مصوب ۱۳۹۱؛ ماده ۱۰ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲؛ مواد ۸ و ۹ ق.ش.ج.ا. مصوب ۱۳۹۴؛ ماده ۲۶ ق.ر.م.م. مصوب ۱۳۵۶؛ ماده ۴ ق.ت.د.ع.ا. اصلاحی

۱۳۸۱؛ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۲۱۱۱ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۰، رای شماره ۲۲۵۳ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۵، رای شماره ۱۲۵۵ مورخ ۱۳۴۵/۷/۱۲، رای شماره ۲۷ مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۵، رای شماره ۱۲۶۴۶ مورخ ۶۰/۴/۳۰، رای شماره ۱۰۳۴۰۲ مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۷، رای شماره ۵۳ مورخ ۱۳۶۲/۳/۱۳، رای شماره ۲۵۶ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۳۰، رای شماره ۲۲ مورخ ۱۳۶۴/۷/۳۰، رای شماره ۵۰۴ مورخ ۱۳۶۶/۲/۱۰، رای شماره ۵۰۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۵، رای شماره ۵۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱، رای شماره ۵۶۴ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰، رای شماره ۵۵۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱، رای شماره ۵۵۶ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۰، رای شماره ۵۵۸ مورخ ۱۳۷۰/۳/۷، رای شماره ۵۶۸ مورخ ۱۳۷۰/۹/۱۹، رای شماره ۵۶۹ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۰، رای شماره ۵۷۵ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲۹، رای شماره ۵۹۹ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۳، رای شماره ۶۰۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۶، رای شماره ۶۰۴ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۲، رای شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸، رای شماره ۶۲۶ مورخ ۱۳۷۷/۴/۹، رای شماره ۶۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۹/۳۰، رای شماره ۶۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۰، رای شماره ۶۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۴، رای شماره ۷۰۲ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲



ماده ۱۱ دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول

داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که، مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

تبصره- حوزه قضایی عبارت است از، قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

مواد مرتبط: مواد ۱۱ تا ۲۲ و ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ ق.م؛ مواد ۴۸، ۵۰، ۱۲۶، ۱۲۹ تا ۱۲۹ ق.ا.ح؛ ماده ۱۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰؛ مواد ۳۲۳ و ۵۹۰ ق.ت؛ مواد ۱۲ و ۱۴ ق.ح.خ؛ ماده ۱۰ و ۱۲ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۷/۲۷

واژگان دشوار: خواننده: مدعی‌علیه، احضار شده، خوانده شده/ مال غیرمنقول: آن‌چه قابل انتقال و جابه‌جایی از جایی به جای دیگر نیست مگر با خرابی عین یا محل آن

✍

ماده ۱۲ دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد.

مواد مرتبط: مواد ۱۲ تا ۱۸ و ماده ۲۹ ق.م؛ مواد ۱۵ و ۱۵۸ و ۱۷۷ ق.ا.د.م

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸، رأی شماره ۶۱۲ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸، رأی شماره ۶۷۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱، رأی شماره ۶۴۳ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۶

واژگان دشوار: دعاوی تصرف عدوانی: دعاوی فرد برعلیه کسی که مالی را از تصرفش بدون اذن یا رضایت وی خارج سازد و خودش به صورت غیرقانونی متصرف آن شود. / دعاوی مزاحمت: دعاوی که متصرف مال غیرمنقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را مطرح می‌کند که نسبت به متصرفات او مزاحم شده است. / دعاوی ممانعت از حق: دعاوی علیه کسی که مانع می‌شود تا صاحب حق از حق خود استفاده کند.

✍

ماده ۱۳ در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

مواد مرتبط: مواد ۲ تا ۵ ق.ت؛ ماده ۲۰ ق.م.

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۹ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۹، رای شماره ۷۰۵ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱،

رای شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳

واژگان دشوار: اموال منقول: اموال و اشیایی که نقل آن‌ها از محلی به محل دیگر بدون آسیب به خود مال و یا محل آن امکان‌پذیر است.



ماده ۱۴ درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است.

مواد مرتبط: مواد ۱۴۹ تا ۱۵۵ ق.ا.د.م و مواد ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ ق.م.

واژگان دشوار: امارات: جمع اماره: نشانه / تأمین دلایل: براساس تعریف قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه و صورت‌برداری از دلایل و مدارک می‌باشد.



ماده ۱۵ در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه

دعوا می‌شود که، مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.

مواد مرتبط: مواد ۱۲ و ۱۹ ق.م.



ماده ۱۶ هر گاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف اقامت دارند، یا راجع به اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هریک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

واژگان دشوار: خواهان: مدعی، شاکی، آن‌که از کسی شاکی است.



ماده ۱۷ هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث، یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.

مواد مرتبط: مواد ۴۲۱ و ۴۳۳ ق.ا.د.م؛ ماده ۵۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛ ماده ۱۹ ق.ا.ح؛ ماده ۷۰ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ ماده ۲۱ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴

واژگان دشوار: متداعیین اصلی: هر دو طرف دعوا (یعنی خواهان و خوانده)



ماده ۱۸ عنوان احتساب، تهاتر یا هر اظهاری که دفاع محسوب شود، دعوی طاری نبوده، مشمول ماده (۱۷) نخواهد بود.

مواد مرتبط: مواد ۲۹۴ تا ۲۹۹ ق.م.

واژگان دشوار: احتساب: رسیدگی به حساب/ تهاتر: تساقط دو طلب با شرایط خاص از دو طلبکار



ماده ۱۹ هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیراین صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید.

مواد مرتبط: ماده ۳۲۸ ق.ت. و ماده ۲۱ ق.آ.د.ک



ماده ۲۰ دعاوی راجع به تَرکه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که تَرکه تقسیم نشده، در دادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده، و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.

مواد مرتبط: مواد ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۵، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵ ق.ا.ح.؛ ماده ۲ قانون تصدیق انحصار وراثت

مصوب ۱۳۰۹

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳



ماده ۲۱

دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است؛ و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

مواد مرتبط: مواد ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۹ و ۵۶۶ ق.ت و مواد ۲۷۰-۲۷۴ ل.ا.ق.ت و ماده ۵ ق.ا.ت.ا.و

واژگان دشوار: شخص متوقف: به معنای در یک جا مانده، درنگ کننده و در اصطلاح حقوقی به تاجر جی گفته می‌شود که از پرداخت دیون خود عاجز شده و دادگاه او را از مداخله در امور مالی خود منع کرده یا به عبارت دیگر متوقف کرده است.

**ماده ۲۲**

دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت، و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است، و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

مواد مرتبط: مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ ق.ت. و ۲۰۸ ل.ق.ا.ق.ت؛ ماده ۱۵ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

**ماده ۲۳**

دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده، یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود، اقامه می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

مواد مرتبط: ماده ۱۰ قانون کیفر بزه های راه آهن مصوب ۱۳۲۰



ماده ۲۴ رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد، یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.

مواد مرتبط: ماده ۵ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده ۱۳۹۳؛ ماده ۵۰۵ ق. آ.د.م؛ ماده ۱۳ ق.ن.ا.م.م.مصوب ۱۳۹۳؛ بند «ث» ماده ۹ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴
واژگان دشوار: اعسار: فقر و تهیدستی، عاجز بودن از ادای دین به واسطه فقر و تهیدستی



ماده ۲۵ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است؛ و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد، در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

مواد مرتبط: ماده ۴ ق.ث.ا مصوب ۱۳۵۵



فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

ماده ۲۶ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است، مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.

مواد مرتبط: ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک؛ ماده ۷ ق.ا.ح؛ ماده ۳۲ ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۷۳؛ ماده ۱۴ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ ماده ۱۳ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴؛ بند ۵ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰

رای وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۱۴۶۲ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۳
واژگان دشوار: مناط: ملاک، میزان



ماده ۲۷ در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت دار ارسال می نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می کند. رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم الاتباع خواهد بود.

تبصره- در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه های دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد شده، دیوان عالی کشور می باشد.

مواد مرتبط: مواد ۳۱۷ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک؛ ماده ۶۰۰ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳؛ ماده ۳۱ قانون جرایم رایانه ای ۱۳۸۸؛ ماده ۷ ق.ا.ح؛ ماده ۱۴ و ۱۵ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴؛ ماده ۳۳ ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۷۳

واژگان دشوار: مرجوع الیه: مورد ارجاع / لازم الاتباع: لازم الاجرا، آن چه اجزای آن الزامی است.



ماده ۲۸ هرگاه بین دادگاه های عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود، همچنین در مواردی که دادگاه ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال

خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.

مواد مرتبط: ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک؛ ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶؛

ماده ۱۴ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛ ماده ۱۷ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۱۱۲ مورخ ۱۳۴۷/۷/۳، رأی شماره ۵۹ مورخ ۱۳۵۲/۸/۱۶،

رأی قضائی شماره ۲۸-۱۳۶۴/۹/۱۲، رأی شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۹،

✍

.....

.....

.....

.....

ماده ۲۹ رسیدگی به‌قراره‌ای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج

از نوبت خواهد بود.

✍

.....

.....

.....

.....

ماده ۳۰ هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با

دادگاه بدوی، در مورد صلاحیت اختلاف شود، حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است.

مواد مرتبط: ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک؛ ماده ۱۲۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا.

رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۶۰۵ مورخ ۱۳۷۵/۱/۱۴

✍

.....

.....

.....

.....

باب دوم: وکالت در دعاوی

ماده ۳۱

هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

مواد مرتبط: اصل ۳۵ ق.ا؛ مواد ۳۱ تا ۳۴ اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶؛ مواد ۲۴، ۲۳ و ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵؛ ماده ۵، ۱۹۰، ۳۴۶ و ۳۸۵ ق.ا.د.ک؛ ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳؛ ماده ۱۲۲ ق.ت.ا.د.د.ع.ا؛ ماده ۱۵ ق.ا.ح؛ ماده ۶۵۶ ق.م؛ ماده ۲۳ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ ماده ۲۰ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴



.....

.....

.....

.....

ماده ۳۲

وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط، از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کار آموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.

۲- دوسال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

تشخیص احراز شرایط یاد شده به‌عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم‌مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه معرفی‌نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

مواد مرتبط: ماده واحده قانون استفاده بعضی دستگاه‌ها از نمایندگان حقوقی در مراجع قضایی مصوب ۱۳۷۴؛ ماده واحده قانون حمایت از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶؛ ماده ۴ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱



.....

.....

.....

.....

ماده ۳۳

وکلائی متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در

دادگاه‌ها برای آنان مقرر گردیده است.

مواد مرتبط: ماده ۶۴۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵



ماده ۳۴ وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد. در صورت اخیر، درمورد

وکالت‌نامه‌های تنظیمی در ایران، وکیل می‌تواند ذیل وکالت‌نامه تأیید کند که وکالت‌نامه را موکل شخصاً در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است. در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد، باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت‌نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رئیس زندان یا معاون وی باید امضا یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره- در صورتی که موکل، امضا، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

واژگان دشوار: تصدیق: به راست و درست بودن مطالبی گواهی دادن



ماده ۳۵ وکالت در دادگاه‌ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است، جز آنچه را که موکل

استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود:

۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

- ۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.
- ۴- وکالت در تعیین جاعل.
- ۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.
- ۶- وکالت در توکیل.
- ۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.
- ۸- وکالت در دعوی خسارت.
- ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.
- ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث.
- ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث.
- ۱۲- وکالت در دعوی متقابل و دفاع درقبال آن.
- ۱۳- وکالت در ادعای اعسار.
- ۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

تبصره ۱- اشاره به شماره‌های یاد شده در این ماده بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.

مواد مرتبط: ماده ۳۳۱ ق.آ.د.ک؛ تبصره ماده ۱۶۵ ق.م.ا؛ تبصره مواد ۴۷، ۲۲۰ و مواد، ۳۳۵، ۳۶۴، ۹۴ ق.آ.د.م. و مواد ۶۶۰ تا ۶۷۷ و ۱۳۳۰ ق.م؛ ماده ۶۹۵ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳

واژگان دشوار: توکیل: وکالت دادن/ جاعل: جعل کننده/ لعان: در اصطلاح حقوقی به معنای آن است که زن و شوهر با رعایت تشریفات خاص یکدیگر را لعنت می‌کنند و با تحقق لعان زن و شوهر از یکدیگر جدا شده و ازدواج دوباره آن‌ها تا ابد ممنوع است. / ایلاء: سوگند خوردن زوج بر ترک عمل زناشوئی با همسر

.....

.....

.....

.....

ماده ۳۳۶ وکیل در دادرسی، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که، در وکالت‌نامه تصریح شده باشد.

مواد مرتبط: مواد ۶۶۴ و ۶۶۵ ق.م.

واژگان دشوار: وجوه ایداعی: وجوه سپرده شده، وجوه ودیعه گذاشته شده



ماده ۳۷ اگر موکل، وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.

مواد مرتبط: مواد ۱۸۶، ۶۷۸ و ۶۷۹ ق.م

واژگان دشوار: معزول: عزل شده، از کار برکنار شده



ماده ۳۸ تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است، اقدامات وی در حدود وکالت، همچنین ابلاغ هایی که از طرف دادگاه به وکیل می شود، مؤثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.

مواد مرتبط: ماده ۶۸۰ ق.م



ماده ۳۹ در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می کند که شخصا یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید؛ و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می گردد. وکلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن، موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص

توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به عهده موکل است.

مواد مرتبط: مواد ۶۷۸ و ۶۸۱ ق.م؛ ۳۶ و ۳۷ ق. وکالت مصوب ۱۳۱۵



ماده ۴۰ در صورت فوت وکیل یا استعفا، یا عزل، یا ممنوع شدن، یا تعلیق از وکالت، یا بازداشت وی، چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل اطلاع می‌دهد که، شخصاً یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود.

مواد مرتبط: ماده ۵۶ ق. وکالت



ماده ۴۱ وکلا مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند؛ مگر اینکه دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

- ۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم.
- ۲- ابتلا به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده شود.
- ۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.
- ۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.

وکیل معذور، موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن، برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل، اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

مواد مرتبط: مواد ۱۷۸ و تبصره ۱ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک؛ ماده ۶۶۶ ق.م؛ ماده ۲۹ ق وکالت مصوب

۱۳۱۵؛ بند ۹ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰

واژگان دشوار: نسبی: مربوط به نسب، دارای قرابت و خویشاوندی مستقیم از طریق پدر و مادر/ سببی: مربوط به سبب، آن قرابتی که به اسباب پدید آید مثل رابطه‌ی زن و شوهری



.....

.....

.....

ماده ۴۲ در صورتی که وکیل هم زمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آن‌ها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین، الزامی باشد، حاضر شود؛ و به دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری معرفی نماید.

مواد مرتبط: ماده ۲۸ ق وکالت مصوب ۱۳۱۵



.....

.....

.....

ماده ۴۳ عزل یا استعفای وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد. در غیر این صورت، دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد.



.....

.....

.....

ماده ۴۴ در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی، دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آن‌ها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است؛ و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از

آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

مواد مرتبط: ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک. و مواد ۶۶۹ و ۶۷۰ ق.م.



ماده ۴۵ وکیلی که در وکالت‌نامه، حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رأی یا در موقع ابلاغ آن استعفا و از رؤیت رأی امتناع نماید، باید دادگاه رأی را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام، روز ابلاغ به وکیل یاد شده محسوب است، مگر اینکه موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی‌اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زبانی به موکل وارد شود، وکیل مسؤول می‌باشد. درخصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می‌شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصاً اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید.

مواد مرتبط: مواد ۶۷۲ و ۶۷۳ ق.م.

واژگان دشوار: مستعفی: استعفا دهنده، استعفا داده



ماده ۴۶ ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر را ندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، معتبر نخواهد بود.



ماده ۴۷

اگر وکیل بعد از ابلاغ رأی و قیل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام‌خواهی، فوت کند، یا ممنوع از وکالت شود، یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض، از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد.

تبصره- در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یادشده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد، کلیه آرای صادره باید به او ابلاغ شود؛ و مبداء مهلت‌ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می‌گردد.

مواد مرتبط: ماده ۶۸۳ ق.م.



باب سوم: دادرسی نخستین

فصل اول: دادخواست

مبحث اول: تقدیم دادخواست

ماده ۴۸ شروع رسیدگی در دادگاه، مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه، دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

مواد مرتبط: ماده ۴۰۹ ق.ا.د.م؛ ماده ۸ ق.ح.خ؛ ماده ۱۶ و ۱۹ ق.ش.ح.ا مصوب ۱۳۹۴؛ ماده ۱۶ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛ ماده ۱۳ ق.ا.ح.؛ ماده ۲۸ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲

.....

.....

.....

.....

ماده ۴۹ مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده دادخواست بدهد؛ و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.

مواد مرتبط: مواد ۲۳ و ۲۴ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛ ماده ۲۹ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

.....

.....

.....

.....

ماده ۵۰ هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را جهت ارجاع به یکی از شعب، به نظر رئیس شعبه اول یا معاون وی برساند.

مواد مرتبط: مواد ۱۵ و ۳۳۸ ق.آ.د.ک؛ ماده ۶۴ ق.ا.د.م؛ ماده ۲۵ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛

.....

.....

مبحث دوم: شرایط دادخواست

ماده ۵۱

دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی

نکات زیر باشد:

- ۱- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی‌الامکان شغل خواهان.
 - تبصره**- در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.
 - ۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.
 - ۳- تعیین خواسته و بهای آن، مگر آنکه تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد.
 - ۴- تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند، به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.
 - ۵- آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.
 - ۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.
 - ۷- امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.
 - تبصره ۱**- اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.
 - تبصره ۲**- چنانچه خواهان یا خوانده، شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.
- مواد مرتبط:** اصل ۱۵ ق.ا؛ مواد ۵۳ تا ۵۶ و بند ۴ ماده ۶۲ و مواد ۷۴، ۷۸، ۷۳، ۳۸۰، ۳۴۱ و مواد ۵۱۵ و تبصر ماده ۵۳ ق.ا.د.م؛ مواد ۱۶ و ۱۸ ق.ت.ا.د.د.ع.ا؛ ماده ۱۷ ق.ش.ح.ا مصوب ۱۳۹۴؛ ماده ۳۱ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲
- رأی وحدت رویه مرتبط:** رأی شماره ۵۴۰ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰، رأی شماره ۵۷۹ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۸

ک

ماده ۵۲ در صورتی که هریک از اصحاب دعوا، عنوان قییم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد، در دادخواست باید تصریح شود.

مواد مرتبط: ماده ۵۹ ق.ا.د.م

واژگان دشوار: قییم: سرپرستی که دادگاه تعیین می‌کند. / وصی: کسی که وصیت‌کننده او را مأمور به اجرای وصیت و سرپرست افراد تحت ولایت خویش برای پس از مرگ خود کند.



مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست

ماده ۵۳ در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود:

۱- در صورتی که به دادخواست و پیوست های آن برابر قانون، تمبر الصاق نشده یا هزینه یاد شده تأدیه نشده باشد.

۲- وقتی که بندهای (۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) ماده (۵۱) این قانون رعایت نشده باشد.

مواد مرتبط: ماده ۲۸۰ ق.ا.د.ک.

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۵۴۳ مورخ ۶۹/۱۰/۱۱



ماده ۵۴ در موارد یادشده در ماده قبل، مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقایص دادخواست را

به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که

مدیردفتر و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می‌کند، رد می‌گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

مواد مرتبط: مواد ۶۶ و ۳۵۰ ق.ا.د.م؛ ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰؛ ماده ۲۸ ق.ت.آ.د.ع.ا؛ ماده ۳۲ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

واژگان دشوار: مشارالیه: اشاره شده به او

.....

.....

.....

.....

ماده ۵۵ در هر مورد که هزینه انتشار آگهی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دفتر تأدیه نشود، دادخواست به وسیله دفتر رد خواهد شد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه می‌باشد، جز در مواردی که خواهان، دادخواست اعسار از هزینه دادرسی تقدیم کرده باشد که در این صورت مدت یک ماه یاد شده، از تاریخ ابلاغ دادنامه رد اعسار به نامبرده محسوب خواهد شد.

مواد مرتبط: مواد ۷۳، ۷۴، ۵۰۴ تا ۵۱۴ ق.ا.د.م؛ ماده ۱۰۲۳ ق.م.؛ مواد ۳۶۱، ۲۱۰، ۱۳۹، ۱۳۸ ق.ا.ح. و ماده ۱۸ ق.ث.ا و املاک الحاقی ۱۳۵۱ و ماده ۳۲۴ ق.ت.

.....

.....

.....

.....

ماده ۵۶ هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست، به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.

مواد مرتبط: ماده ۲۷ ق.ت.آ.د.ع.ا؛

.....

.....

.....

مبحث چهارم: پيوست‌های دادخواست

ماده ۵۷ خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد. مقصود از گواهی آن است که، دفتر دادگاهی که دادخواست به آنجا داده می‌شود یا دفتر یکی از دادگاه‌های دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که هیچ یک از آنها نباشد، بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی، مطابقت آن را با اصل، گواهی کرده باشد در صورتی که رونوشت یا تصویر سند در خارج از کشور تهیه شده، باید مطابقت آن با اصل در دفتر یکی از سفارت‌خانه‌ها و یا کنسولگری‌های ایران گواهی شده باشد. هرگاه اسنادی از قبیل دفاتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آنها مفصل باشد، قسمت‌هایی که مدرک ادعاست، خارج نویس شده، پیوست دادخواست می‌گردد. علاوه بر اشخاص و مقامات فوق، وکلای اصحاب دعوا نیز می‌توانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی خود را با اصل تصدیق کرده، پس از الصاق تمبر مقرر در قانون، به مرجع صالح تقدیم نمایند.

مواد مرتبط: مواد ۵۹ و ۶۶ ق.ا.د.م؛ ماده ۲۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛ ماده ۸۵ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲



ماده ۵۸ در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بر رونوشت یا تصویر مصدق، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل را مترجمین رسمی یا مأمورین کنسولی حسب مورد گواهی خواهند نمود.

مواد مرتبط: ماده ۱۲۹۵ ق.م؛ ماده ۱ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۱۳۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛ ماده ۲۱ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛



ماده ۵۹

اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل و یا نماینده قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سِمَت دادخواست دهنده است، به پیوست دادخواست، تسلیم دادگاه می‌گردد.
مواد مرتبط: ماده ۱۲۲۷ ق.م.؛ ماده ۱۵ ق.ا.ح.؛ ماده ۲۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛

.....

.....

.....

.....

ماده ۶۰

دادخواست و کلیه برگ‌های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد خوانده به تعداد آن‌ها به علاوه یک نسخه تقدیم دادگاه شود.
مواد مرتبط: ماده ۷ ق.ا.ا.م؛ ماده ۲۳ ق.ت.آ.د.د.ع.ا؛

.....

.....

.....

.....

فصل دوم: بهای خواسته

ماده ۶۱

بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که، در دادخواست قید شده است، مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

.....

.....

.....

.....

ماده ۶۲

بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه، و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست، بهای خواسته محسوب می‌شود.

۲- در دعوای چند خواهان که هریک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید، بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود.

۳- در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از، حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند. در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد، بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.

۴- در دعوای راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. **مواد مرتبط:** ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۴ **واژگان دشوار:** استیفا؛ حق یا مال را به طور کامل گرفتن



.....

.....

.....

.....

ماده ۶۳ چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

مواد مرتبط: تبصره ۱ ماده ۹ ق.ش.ح.ا مصوب ۱۳۹۴



.....

.....

.....

.....

فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی مبحث اول: جریان دادخواست

ماده ۶۴ مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده

می‌نماید، تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد.

در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آن‌ها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

مواد مرتبط: مواد ۱۷۱، ۳۴۲ و ۳۴۳ ق.آ.د.ک؛ ماده ۲۹ ق.ت.آ.د.د.ع؛ ماده ۳۰۸ ق.ا.ح؛ ماده ۳۳ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ بند ۸ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰



.....

.....

.....

.....

ماده ۶۵ اگر به موجب یک دادخواست دعای متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند، دعای اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هریک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید.

مواد مرتبط: ماده ۲۸۴ ق.آ.د.ک.؛ بند ۲ ماده ۸۴ و مواد ۱۰۳ و ۱۴۱ ق.ا.د.م؛ ماده ۳۱ و ۳۲ ق.ت.آ.د.د.ع؛



.....

.....

.....

ماده ۶۶ در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده، پرونده را به دفتر اعاده می‌دهد. موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می‌شود، خواهان مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نواقص اعلام شده را تکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار، دادخواست را رد خواهد کرد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در همان دادگاه می‌باشد، رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.



.....

.....

.....

مبحث دوم: ابلاغ

ماده ۶۷ پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوست‌های آن را در پرونده بایگانی می‌کند؛ و نسخه دیگر را با ضمایم آن و اختاریه جهت ابلاغ و تسلیم به خوانده ارسال می‌دارد.

مواد مرتبط: مواد ۳۰۲، ۳۰۳ و ۳۰۶ ق.آ.د.م؛ مواد ۸، ۹، ۱۱۸ و ۱۱۹ ق.ا.ا.م؛ ماده ۹ ق.ح.خ.مصوب ۱۳۹۱؛ ماده ۲۴ ق.ا.ح؛ تبصره ۲ ماده تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.ش.ح.ا. مصوب ۱۳۹۴



ماده ۶۸ مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خوانده تسلیم کند و در برگ دیگر اختاریه برسد بگیرد. در صورت امتناع خوانده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اختاریه قید و اعاده می‌نماید.

تبصره ۱- ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و موسسات مأمور به خدمات عمومی و شرکت‌ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال می‌شود. اشخاص یاد شده مسؤول اجرای ابلاغ می‌باشند، و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردند.

تبصره ۲- در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد، ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید.

مواد مرتبط: ماده ۸ ق.ا.ا.م؛ ماده ۹ قانون تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲؛ ماده ۳۸ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲



ماده ۶۹

هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اختاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند.

مواد مرتبط: ماده ۴۰ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

**ماده ۷۰**

چنانچه خوانده یا هریک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشند یا از گرفتن برگ‌های اختاریه استتکاف کنند، مأمور ابلاغ این موضوع را در نسخ اختاریه قید نموده، نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می‌کند و برگ اول را با سایر اوراق دعوا، عودت می‌دهد. در این صورت خوانده می‌تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید.

مواد مرتبط: ماده ۴۱ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

واژگان دشوار: استتکاف: خودداری کردن

**ماده ۷۱**

ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید. مأموران یاد شده دادخواست و ضمائم آن را وسیله مأمورین سفارت یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای خوانده می‌فرستند، و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خوانده، مأموران کنسولی یا سیاسی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می‌دهد.

مواد مرتبط: ماده ۲۵ ق.ا.ج.

واژگان دشوار: مقتضی؛ شایسته، درخور



ماده ۷۲ هرگاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده است، نشانی خوانده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد، و مأمور هم نتواند نشانی او را پیدا کند، باید این نکته را در برگ دیگر اظهاریه قید کند و ظرف دو روز اوراق را عودت دهد. در این صورت برابر ماده (۵۴) رفتار خواهد شد، مگر در مواردی که اقامتگاه خوانده برابر ماده (۱۰۱۰) قانون مدنی تعیین شده باشد که در همان محل، ابلاغ خواهد شد.

مواد مرتبط: ماده ۱۰۱۰ ق.م؛ ماده ۴۷ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲



ماده ۷۳ در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید یا در مورد ماده قبل، پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند، بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد.

مواد مرتبط: مواد ۱۷۴ و ۳۴۴ ق.آ.د.ک؛ تبصره ماده ۳۰۲ ق.آ.د.م؛ ماده ۹ ق.ا.ا.م؛ تبصره ماده ۳۵ ق.ج.خ؛ ماده ۴۸ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲؛ ماده ۶۱۶ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳



ماده ۷۴

در دعاوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آن‌ها غیر محصور است، علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آن‌ها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود.

واژگان دشوار: معارض: مخالف، ناسازگار / غیر محصور: محصور نشده

**ماده ۷۵**

در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و موسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداری‌ها و نیز موسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است، اوراق اختاریه و ضمایم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود. در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ اختاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استتکاف از گرفتن اوراق اختاریه و ضمایم و ندادن رسید، تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.

تبصره- در دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت، به مسؤول دفتر شعبه مربوط یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد.

مواد مرتبط: ماده ۴۲ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲

**ماده ۷۶**

در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی دادخواست و ضامم آن به مدیر یا قائم مقام او، یا دارنده حق امضاء، و در صورت عدم امکان به مسؤول دفتر مؤسسه با رعایت مقررات مواد (۶۸) و ۶۹ (۷۲) ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۱- در مورد این ماده هرگاه ابلاغ اوراق دعوا در محل تعیین شده ممکن نگردد، اوراق به آدرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده ابلاغ خواهد شد.